

# آزادی آواز چاقوها شد، وجانماز تبرها!



پیوسته گذشته بخش یکصدوسی و دوم

قال الله تعالى

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ  
حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

(الرعد: ١١)

و خداوند حال هیچ قومی را تغییر نمی دهد تا زمانیکه خود آن قوم حالشان را تغییر دهند.

انسان در زندگی همواره خود را می پوشاند ، همچنان در زیر نمودی که به چشم دیگران می آید پنهان است ، تنها دوجاست که غالباً نقابی را که در سراسر عمر بر چهره دارد ، پس می زند :سلول زندان و بستر مرگ . در این دومکان است که فرصت عزیزی بدست می آید تا چهره حقیقی هرکسی را خوب بنمایند ، بویژه مرگ ! آدمی بوی مرگ را که می شنود صمیمی می شود و صلحدوست ! وحشت مرگ او را چنان سراسیمه میسازد که مجال هیچگونه تظاهر نه می ماند و به قولی حادثه چنان بزرگ است که بزرگان همه کوچک و صغیر میشوند در گرما گرم چنین دروغ سازیها و شائعه پراگنی های "سیا" سی این روزگار که رسوبات طبیعی نظام حاکم سرمایه با قرئت مافیائی به شمار می آیند ناگهان از دودکشهای ارگ کابل دود غلیظ و سیاهی توام با نعره های آشنا ی الله اکبر بلند شد که همه شهروندان را به تعجب واداشتند ، آنروز همه از امیر تا فقیر آورده شده بودند تا به خطبه خونین مرشد وامامی که هیچکس نه میدانست در کدامین محراب و از کدامین مغاره خطبه ای بنام **صلح!!** را ارشاد میفرمایند گوش فرادهند و لزوماً با وی بیعت غائبانه ببندند . هر چند صدای این مرشد خطبه خوان آشنا به گوش میرسید گفتیم که شاید تحوّل به پیش آمده ، فرعون ها و زورمندان تاریخ ، تغییر تفکر داده اند و ما حوشحال شدیم ، و گفتیم وعده خدا حق است و اینک منجی بشریت ظهور کرد و دیگر بنام خدا انسان را در زمین خدا سر نه می بُرند و انسان در زمین خدا آرامش می یابد ،

این سوال و دلهره در ذهن عامی ترین افرادی از ما خطور کرد ؛ چه شد که حضرت مرشد ناگهان عوض شد و احساس مسؤلیت کرد ؟ از صلح و آشتی و دوستی و محبت سخن میگوئید ؟ زیرا وی قتل مخالفان و دیگر اندیشان را از جمله وظائف اصلی مسلمانان میدانست

[https://www.youtube.com/watch?v=EX\\_XHgzlITQ](https://www.youtube.com/watch?v=EX_XHgzlITQ)

اما این خوشحالی نا پایدار و زود گذر بود زیرا در بخشی از سخنانش آنگاه که دیگر مخالفان و شمشیر زنان را به صلح و آشتی به شرط امتحان !! فرامی خواند ما و دیگر صلح طلبان سخت ناامید شدیم زیرا حضرت مرشد در بخشی از خطبه اش ارشاد فرمودند که :

<https://www.youtube.com/watch?v=ff2rEYr2qo8>

"من بر تمامی افغانها صدا میکنم که بیاید همین راه را انتخاب کنیم و از راه مذاکرات بین الافغانی!! به حل مشکلات و رسیدن به اهداف مقدس خویش اقدام کنیم پوسته ها و ولسوالی ها را دست به دست کردن که منجر به کشتن صدها افغان میگردد نه از لحاظ عقل راه بیرون رفت معقول است و نه هم از لحاظ شرعی یک عمل جائز! بیاید مذاکرات بین الافغانی!! را اقلأ برای چند هفته امتحان کنیم تمامی جناح های دیگرشامل در جنگ به یک آتش بس موقت توافق نمایند، برای اثبات حسن نیت کاری را انجام دهند که منجر به ایجاد فضای اعتماد گردد، طالبان و دیگر مخالفین رژیم در این مذاکرات با جرئت و دلیری سهم بگیرند. تمامی خواسته های شرعی شانرا ارائه دهند این اطمینان را داشته باشند که ما حامی تمامی خواسته های معقول شان خواهیم بود، اگر مذاکرات بسوی مثبت به پیش رفت و این امید بوجود آمد که اهداف خود را میتوانیم حاصل کنیم آیا بهتر نیست که این مذاکرات را تا آنگاه ادامه دهیم که همه مشکلات ما حل گردد؟! اگر نتیجه نداشت هیچ کسی نه میتوانند ما را از جهاد و مقاومت مسلحانه منع کنند.

اگر برای رفتن به شهر ها موافقه و اجازه دیگران نیازمندیم، برای رفتن به کوه ها به موافقه و اجازه هیچ کسی نیاز نداریم.!!

چه کسی نه می داند که چرا حضرت مرشد از موافقه و اجازه دیگران برای رفتن به شهر ها سخن میگویند؟ و کوه ها نه! و راستی این اجازه و موافقه چه خواهد بود؟ بدون شک که این اجازه نامه و موافقه درج اسم حضرت حکمتیار و و حواریون اش در فهرست سیاه سازمان ملل و ایالات متحده امریکا است که با تصور وی در سایه تحلیل های واهی دوستان متملق اش چنین پنداشته بود که با امضای مرحله و فاز اول موافقتنامه میان امین کریم سفیر صلح گلبدین حکمتیار و حنیف خان اتمر طراح اصلی پروژه داعشی صلح با حکمتیار نام وی از لست سیاه سازمان ملل و ایالات متحده امریکا حذف خواهد شد و بار دیگر نه تنها بحیث زعیم ملتی که همه شان برای ورودش لحظه شماری میکنند بلکه به مثابه ناجی بشریت ظهور خواهند کرد!.



و این موافقتنامه نیز مانند استقبال همه گانی از رهبر جنگجویان چپگرای کشور کلمبیا واقع در امریکای جنوبی که با حضور چندین رئیس جمهور و سرمنشی سازمان ملل مورد احترام همه جهان واقع شد مورد استقبال قرار گیرد اما از بخت بد و مخالفت یک گروه کوچک " شورای نظر " \* که مانع حذف نام آقای حکمتیار از لیست سیاه سازمان شد. و نتوانیست از منبر این محفل نورانی و تاریخی خطبه ای غرای را ایراد فرمایند. بدنیست اکنون نیز سری به همان محفل بزنیم که همزمان با امضای موافقتنامه حکومت وحدت ملی با حزب اسلامی در ارگ کابل در کشور کلمبیا واقع در امریکای جنوبی به امضأ رسیده بود.

<https://www.youtube.com/watch?v=PqKZMjjqXYQ>

با امضای موافقتنامه ای میان دولت کلمبیا و جنگجویان چپ گرای فارک موسوم به FARC جنگ خونین ۵۲ ساله در آنکشور را خاتمه بخشید. یوان مانوئل سانتوس Juan Manuel Santos رییس جمهوری کلمبیا، و تیمولین خیمه‌نر معروف به تیموچنکو Timoleon Jimenez رهبر FARC فارک، دوشنبه، ۲۶ سپتامبر، طی مراسمی ویژه در شهر تاریخی کارتاخنا، با خودکاری که از پوش گلوله ساخته شده بود این توافق تاریخی را امضا کردند. تیموچنکو Timoleon Jimenez رهبر فارک در سخنرانی خود از مردم کلمبیا عذر خواهی کرد و گفت:



«برای تمامی خشونت ها و رنج هایی که طی سالهای این جنگ به نام فارک به مردم تحمیل کرده ایم، برای تمام فقدانی که در سالهای این جنگ بوجود آمده است، صادقانه از تمام قربانیان عذرخواهی می کنم.» وقتی تیموچنکو رهبر کمونیستهای کولمبیا و رهبر جنگجویان فارک که " اگر دست مریدان مرشد میرسید وی رانیز به جرم دیگراندیشی و مخالفت با قانون خدا واجب القتل دانسته با بی دردی کامل و در تاریکی شب ترور می ساخت "



از تریبون صلح سخن میگفت با بیان هرکلیمه آن بذر اعتماد و باور بر صلح می افشاند بذری که جوانه های آن بر قلب تمامی قربانیان نشسته بود و چنین احساس ناب بردل همه کسانی که با لباس های سفید نمادی از صلح در محفل امضای موافقتنامه حضور داشتند و یاهم آنها که نرازه کیلومتر دورتر از کولمبیا مراسم امضای صلح را با پرده های تلویزیونهای شان تماشا میکردند ، باید گفت که صداقت ، صمیمیت و راستی هیچگونه مذهب و اندیشه ای را ندارد بلکه میتوان صداقت و محبت را در وجود حیوانات نیز سراغ کرد ، ماسوا از خصلت های جداگانه ای که میان تمدن و فرهنگ امریکای جنوبی و افغانستان موجود است و بدون شک برخی از مفادات مربوط به فرآیند صلح و جنگ در این کشورها

تأثیر بجامیگذارند ، اما درکنار عامل اصلی این فرآیند که باورمندی وجدانی بر مفهوم صلح و زدودن آثاری از خشونت در وجود آدمیان است سخنان عاقبت نااندیشانه ای برخی از فعالان سیاسی تشکیلات حزب اسلامی شاخه گلبدین حکمتیار نیز بر سردی این وضعیت تأثیر داشت هرچند در نخستین لحظات امضای موافقتنامه حکومت کابل با حزب اسلامی یکی از کادرهای بلند پایه این حزب در اروپا بنام قریب الرحمن سعید در صحبت با رادیوآشنا در جواب این پرسش که آیا حزب اسلامی از مردم معذرت خواهی میکند یا نه ؟ گفته بود که :

<https://www.youtube.com/watch?v=zlffLvvsFRo>

هرچند این اظهارات نیز بر صراحت عذرخواهی از مردم افغانستان بویژه قربانیان جنگ استوار نبودند اما علی الرغم آن از سوی محمد امین کریم رئیس هیأت صلح محترم گلبدین حکمتیار با دولت وحدت ملی به عنوان نظر شخصی قریب الرحمن سعید تلقی گردید .

<https://www.youtube.com/watch?v=XVLFE42DKPU>

اما نه میتوان فراموش کرد که ریشه این همه تناقض گوئی ها در معرفت شناسی انسان یا همان قرئت داعشی از اسلام است که بحیث تفکر حاکم بر اکثریتی از احزاب مذهبی افغانستان و جهان اسلام منجمله حزب اسلامی افغانستان سایه افکنده است . زیرا امروز هیچ اندیشه ای و نهادی در یک جامعه سالم و درجهان معاصر بدون شناخت و حل زیربنائی به مسائل و مقولات آزادی ، عدالت – تساوی – مالکیت و حقوق مدنی و سیاسی شهروندان اعم از زن و مرد در یک جامعه نه میتواند مشروعیت انسانی و مقبولیت حقوقی پیدا کند . اسلام تفکر برابری را که بصورت یک مسأله سیاسی و اجتماعی مطرح است بر پایه های فلسفی و علمی می نشاند تا نخست آنرا بحیث یک اصل مسلم طبیعی معرفی کند و ثانیاً " برابری انسانها " را از برابری حقوقی " تا درجه " برابری حقیقی " یعنی عینی و علمی و آفرینشی بالاببرد و به قول خود اسلام " برابری انسانی " را تا " برادری " ارتقا دهد ...

آزادی آواز چاقوها شد

وجیب دزدها و جانماز تبرها

آزادی، جواهرات گذرگاه سیاست

وبازرگان دروغهای رنگین

میان شهرها

آزادی، لنگه بارهای قاچاق

های ؛ چه کسی نشان کامل آزادی را به من میدهد؟

این واژه ی بی آبرو

آزادی چراغی است که راه را دراز میکند...



\* تیتراژ نوشته آزادی آواز چاقوها شد ! از مصرع شعر معروف شاعر نامور کردستان زنده یاد شیرکو بیگس اقتباس شده است .

\* جناب حکمتیار همیشه در سخنرانی های خود بصورت کنایه آمیز و به زبان اشاره جبهات فرمانده بزرگ جهاد احمد شاه مسعود را یک گروپ کوچک مینامند .